

## آلة الذكاء:

### ابزار هوشمندی :

قلت: إن التطور يهدف الوصول إلى آلة ذكاء؛ لأن آلة الذكاء هي آلة البقاء الأفضل على الإطلاق في منافسة البقاء المحترمة بين الجينات، ومع أن وجود سبعة مليارات إنسان على الأرض اليوم كافٍ لإثبات هذه الحقيقة، ولكن لا بأس في مناقشة هذه الحقيقة باختصار للتوضيح، فنحن حتى لو فرضنا أن الطفر الجيني عشوائي منذ البداية سنقول إنه حتماً لابد أن يوفر جينة مؤهلة لبناء آلة ذكاء، وليس المقصود بآلة الذكاء هنا الدماغ الحالي للإنسان والحيوانات بل مقصدنا أي شيء يمكن أن نتصوره كبداية للدماغ مثل خلية عصبية واحدة، وأكد أن من يمتلكون آلات الذكاء هم المفضلون في المنافسة وسيكون نصيبهم من البقاء أكبر ومن ثم لو انتقلت المنافسة بين من يمتلكون آلات الذكاء فستكون الكائنات التي تمتلك آلة ذكاء توفر ذكاءً أكبر هي الفائزة في سباق البقاء للأفضل وهكذا، ففي التطور بداية آلة الذكاء حتمية وتحسين آلة الذكاء مع الزمن أيضاً أمر حتمي، وبهذا يمكننا أن نقول: إن آلة الذكاء هدف حتمي للتطور أي يمكن أن نختصر ونقول التطور يهدف الوصول للذكاء.

گفتیم هدف تکامل، رسیدن به ابزار هوشمندی است؛ زیرا ابزار هوشمندی، همان ابزار بقای شایسته‌تر در تنازع شدید ژن‌ها برای بقا می‌باشد. امروزه وجود هفت‌میلیارد انسان روی زمین، برای اثبات این حقیقت کافی است؛ ولی برای روشن شدن مطلب، خوب است این حقیقت را به اختصار

بیشتر بررسی کنیم. حتی اگر فرض کنیم جهش ژنتیکی از همان ابتدا تصادفی بوده است، باید ژنی را که قابلیت ایجاد ابزار هوشمندی را دارا باشد را فراهم نماید. منظور از ابزار هوشمندی، مغز فعلی انسان و حیوانات نیست، بلکه مراد هر چیز قابل تصویری است که بتوانیم آن را به عنوان نخستین مرحلهء ساخت مغز در نظر بگیریم؛ مثل یک سلول عصبی. مسلماً جاندارانی که از ابزار هوشمندی بهره‌مندند، در تنازع پیروزند و بهره آنها برای بقا بیشتر است؛ بنابراین اگر تنازع بین موجوداتی باشد که همگی دارای ابزار هوشمندی باشند، آنهایی که هوشمندی بیشتری دارند، در این پیکار پیروزی بیشتری بدست می‌آورند؛ و به‌همین ترتیب ادامه می‌یابد. بنابراین در تکامل، سرآغاز ایجاد ابزار هوشمندی، موضوعی حتمی است؛ همچنین بهبود و پیشرفت ابزار هوشمندی همراه با گذر زمان نیز فرآیندی حتمی به‌شمار می‌رود. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که ابزار هوشمندی هدف حتمی تکامل است؛ یعنی هدف از تکامل به اختصار، رسیدن به هوشمندی می‌باشد.

وأود التنبيه إلى أنني لا أقول: إنَّ أي منافسة تجري بين الأفراد ستكون نتیجتها لصالح الفرد الذكي بل حتى بين الأنواع، ولكنني أقول: إنَّ جينة بناء آلة الذكاء هي المفضلة في المنافسة وهي الفائزة في السباق حتماً.

مایلم اشاره کنم من نمی‌گویم: نتیجهء هر تنازعی که میان افراد جریان دارد به سود فرد هوشمند خواهد بود، و حتی دربارهء تنازع انواع هم، چنین نظری ندارم. سخن من این است که ژن سازندهء ابزار هوشمندی همیشه در این پیکار غالب و قطعاً در رقابت پیروز است.

فالفرد الأذكى أو الذي يمتلك آلة ذكاء أفضل ربما يخسر أمام فرد أقل ذكاءً أو يمتلك آلة ذكاء أدنى أو حتى لا يمتلك آلة ذكاء نتيجة حيثيات المواجهة وظروفها.

گاهی فرد هوشمندتر یا جاندارى که از ابزار هوشمندى برترى بهره‌مند است، از كسى که هوشمندى کمترى دارد، یا از ابزار هوشمندى پایین‌ترى برخوردار بوده یا حتى اصلاً فاقد ابزار هوشمندى است شکست مى‌خورد. این وضعیت پیامد ویژگی‌ها و شرایط رويارويى طرف‌هاى درگیرى است.

والنوع الذي يمتلك آلة ذكاء أفضل ربما يخسر في المنافسة على البقاء أمام نوع يمتلك آلة ذكاء أدنى نتيجة حيثيات المواجهة وظروفها.

و گاهی در تنازع بقا، نوعى که از ابزار هوشمندى برتر برخوردار است در مقابل نوعى که ابزار هوشمندى ضعیف‌ترى دارد، شکست مى‌خورد، زیرا از ویژگی‌ها و شرایط خاصى برخوردار است.

ولكن جينة بناء آلة الذكاء متى ما وجدت ودخلت إلى مجموع الجينات التي تبني الكائنات الحية، فلا يمكن أن تخسر في المنافسة أمام الجينات الأخرى، ولا يمكن أن تخرج من مجموع الجينات العاملة على بناء الكائنات الحية بل ستتقدم وتتسارع ملحوظ يزداد مع الزمن؛ لأن الفرق بينها وبين الجينات الأخرى في المنافسة على البقاء أو التقدم واحراز موقع الصدارة كبير.

البته هنگامی که ژن ایجادکننده ابزار هوشمندی ایجاد شود و وارد مجموعه‌ای از ژن‌های سازنده موجودات زنده گردد، ممکن نیست در تنازع در برابر ژن‌های دیگر شکست بخورد و امکان ندارد از مجموعه ژن‌های عامل در ساختن موجودات زنده خارج شود، بلکه پیش خواهد رفت و آهنگ رو به جلو با گذر زمان پیشرفت خواهد کرد؛ زیرا میان این ژن و دیگر ژن‌ها در تنازع بقا یا پیشرفت و رسیدن به جایگاه نخست، تفاوت بسیاری وجود دارد.

**والمنافسة بين الجينات لا تتوقف عند المنافسة على البقاء، بل هناك منافسة بين الجينات على موقع الصدارة في المجموعة الجينية التي تبني أجسام الكائنات الحية، فهي تسعى لتكون الأكثر عدداً حتى وإن كان تنافسها بصورة غير واعية ولا مدركة، بل هو تنافس يمر من خلال قانون التطور العام وخاضع له.**

و رقابت میان ژن‌ها، فقط به تنازع بقا محدود نمی‌شود، بلکه میان ژن‌ها برای تقدم و صدرنشینی در مجموعه ژن‌هایی که جسم موجودات زنده را می‌سازند نیز رقابت وجود دارد. هر ژن می‌کوشد تا تعداد بیشتری داشته باشد. رقابت کردن این ژن به شکلی ناآگاهانه و غیرهوشیارانه نیست؛ بلکه این رقابت و تنازع، از خلال قانون عمومی تکامل می‌گذرد و تابعی از آن به‌شمار می‌رود.

\*\*\*\*\*